

چرا استقلال، چرا آزادی و چرا جمهوری اسلامی؟

بازگشت به شعارهای محوری انقلاب ضروری است.

به گزارش سایت خبری پرسون، کمال‌الدین پیرموزن در یادداشتی نوشت: در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ انقلابی در ایران به پیروزی رسید که استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را در سرلوحه شعارهای خود قرار داده بود.

آنچه مسلم این واقعیت است که ما هیچ‌گاه یک کشور مستعمره نبوده‌ایم. پس چرا استقلال؟

شکی نیست که به دلایل سیاسی، اقتصادی و استراتژیک، ایران همیشه مورد توجه بازیگران عمده نظام بین‌المللی بوده است. تاریخ نشان داده است که دولت‌های پرتغال، روسیه، فرانسه، اسرائیل، انگلستان و ایالات متحده آمریکا در مقاطع مختلف تاریخی در استفاده از سیاست‌های مختلف تطمیع، تهدید، تحریم و حتی اشغال نظامی برای پیشبرد اهداف و منافع خود در ایران هیچ‌گاه از خود تردید نشان نداده‌اند.

شعار استقلال سال ۱۳۵۷ در واقع اعتراضی بود به نفوذ مستکبرانه چندین ساله بیگانگان در مسایل داخلی ایران. اعتراضی بود علیه قراردادهای ننگینی که برخلاف منافع و مصالح ایران امضا شده بود، اعتراضی بود علیه رویتر، دارسی و تالبوت. اعتراضی بود علیه جدایی سرزمین‌ها و مناطق مختلف از خاک ایران، اعتراضی بود علیه قراردادهای گلستان و ترکمانچای، اعتراضی بود علیه نادیده انگاشتن سیاست‌های بی‌طرفی ایران طی دو جنگ جهانی اشغال ایران، اعتراضی بود علیه سرنگونی دولت ملی مصدق توسط ایالات متحده آمریکا و انگلستان و قتل امیرکبیر به تحریک بیگانگان. اعتراضی بود علیه حمایت آشکار ایالات متحده آمریکا از نظام دیکتاتوری محمدرضا شاه و دخالت آشکار آنان در امور ایران و عدم تمکین آنان به قراردادهای بین‌المللی برد – برد همچون قرارداد برجام ما.

چرا آزادی؟- توجه کنید... توجه کنید. این صدای آزادی است... این صدای مردم است... این صدای مردان آزاد ایران است... این صدای زنان آزاد ایران است... اینچنین در اعلامیه‌ای که در بیست و دومین روز از بهمن ۵۷ از صدا و سیما پخش شد و در واقع خبر از پیروزی انقلاب اسلامی می‌داد با کلمه آزادی عجین شده بود. مردم خواستار آزادی بودند و هستند. از بدو بیداری ایرانیان، آنان خواستار این بوده و هستند که حکومت حقوق اساسی‌شان را محترم بشمارد.

هر ایرانی خواهان آن بوده و هست که به شأن و منزلت او به عنوان یک شهروند احترام گذاشته شود. او می‌خواهد آزادانه عقیده‌اش و نظرش را ابراز دارد و از آن نترسد که مبادا دیوار موش دارد یا پلیس باتوم دارد. او می‌خواهد بدون لکنت حرفش را بزند. از حاکمیت نقد و به نارسایی‌ها و کوتاهی‌های آن اعتراض کند. حکومت خود را ارباب و خداوند نداند. حاکم، مملکت را ملک شخصی خود نداند. او دوست دارد با حکومت حرف بزند و بتواند به حکومت بگوید که بالای چشم‌ت ابروست و ما ایرانیان، ولی‌نعمتان شما هستیم. هر ایرانی خواهان جامعه‌ای است که هرکس با هر مرام و مسلک و سبک زندگی و سلیقه با حفظ وفاداری به اصول قانون اساسی، قرارداد اجتماعی، حق فعالیت در عرصه‌های سیاسی جامعه را برای خود محفوظ بداند. همه اینها چیزهایی بودند که در طول حیات تاریخ سیاسی ایران، از سوی حکومت‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته بود.

در این میان دوران حکومت محمدرضاشاه عاری از مهر یک استثنا نبود. بی‌هیچ‌تردیدی، مهم‌ترین هدف انقلاب اسلامی ایران را باید مبارزه با وضعیت انسداد سیاسی فضای تاریک استبدادی کشور دانست. حکومت ایران هرچند در ظاهر مشروطه سلطنتی بود، اما در واقع تمام قدرت در دست شاه بود، او بود که دولت و مجلس را کنترل می‌کرد. شاه با دخالت در تمام تصمیم‌گیری‌ها و حتی گاهی دخالت در موارد بسیار جزئی و کم‌اهمیت اجازه ابراز عقیده را، حتی از نزدیک‌ترین افراد به خود نیز گرفته بود. ناگفته پیداست که با وجود چنین اوضاع و احوالی، وضعیت نیروهای خارج از دستگاه حکومت در رابطه با فعالیت‌های سیاسی را می‌توان تصور کرد.

چرا جمهوری اسلامی؟ - انقلاب بهمن ۱۳۵۷ سقوط سریع یک رژیم مقتدر طاغوتی را در پی داشت. رژیمی که روند جدی مذهب‌زدایی از عرصه اجتماعی-سیاسی کشور را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده بود؛ در نزد بسیاری از ایرانیان به ویژه متدینین و روحانیون، حکومت سلطنتی را بسیار منفور کرده بود. نظام شاهنشاهی که با اسلام ناب محمدی سر ستیز داشت امام خمینی بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، شاهنشاه را منفورترین القاب نزد خدا می‌دانستند و استدلال می‌کردند که اصولاً اسلام با سلطنت و دیکتاتوری مخالف است و سلطنت را یکی از شرم‌آورترین و ننگین‌ترین مظاهر اجتماعی تلقی می‌کردند. ایشان با ارایه نظریه ولایت فقیه، شالوده یک حکومت دینی پویا و مردمی را بر پایه شریعت اسلامی در اواخر قرن بیستم بنا نهادند.

وقتی آن حکومت با عنوان «جمهوری اسلامی» که مورد تایید موکد امام راحل بود در ۱۲ فروردین‌ماه ۱۳۵۸ در معرض آرای عمومی قرار گرفت و آشکار شد که مردم خواهان پیاده شدن آن قرائتی از اسلام ناب هستند که حق تعیین سرنوشت و مردم‌سالاری را به رسمیت می‌شناسد، نه قرائتی را که به حاکمیت ملی اعتقادی ندارند.

حال بعد از ۴۴ سال و پشت سر نهادن فراز و نشیب‌های بسیار در آستانه پنجمین دهه انقلاب اسلامی، جامعه و به ویژه جوانان و بانوان و اقوام ایرانی، لزوم توجه بیش از پیش به شعار جمهوری اسلامی و هدف والای انقلاب اسلامی را احساس می‌کنند. تحریم‌های عدیده مشکل‌ساز مصیبت‌آور اقتصادی،

سیاسی بین‌المللی، تهدیدات نظامی مهلک بیگانگان، تمامیت‌خواهی انحصارطلبانه تنگ‌نظرانه ضد‌جمهوریت نظام و دافعه‌ها و هزینه‌تراشی‌های نجومی برخی گروه‌ها برای ملت و کشور، وضعیت نابسامان اجتماعی و اقتصادی کشور و تشدید فشارهای اقتصادی و سیاسی بر کشور به ویژه بر خیل اقشار متوسط و پایین جامعه، بی‌توجهی به دغدغه‌ها، مطالبات، خواست‌ها و نیازهای واقعی ملت، ضرورت توجه حتمی به جمهوریت نظام را اجتناب‌ناپذیر کرده است.

ایرانیان بسیار علاقه‌مندند، احدی به حق سرنوشت آنان تعدی نکند و آزادانه در انتخابات شرکت کنند. آنان تبلور تفکرات و ایده‌های خود را در بازگشت جامعه به شعارهای محوری انقلاب اسلامی و همچنین در افرادی جست‌وجو می‌کنند که تعامل سازنده با دنیا و اعمال سیاست‌های تشنج‌زدایی با ملل دنیا را سرلوحه تبلیغات انتخاباتی و برنامه‌های خود قرار داده و کشور را از فشارهای فزاینده اقتصادی و انزوا و تحریمات و تهدیدات احتمالی نجات دهند.

منبع:اعتماد